

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی للندری

جلوه رخسار

به تنگ آمد دلم زین حالت زاری که من دارم
دل و جان میکند پر خون دل آزاری که من دارم
به درد و غم گرفتارم ز بس ظلم و جفا کرده
چه سازم با چنین یار ستمگاری که من دارم
خواهد شد نصیب هرگز مرا آن لعل رخشان
منم مدهوش لبها، مست خماری که من دارم
دلم از پسرده بیرون شد، بیا ای لاله رخسارم
چه سازم با دلم، زان لاله رخساری که من دارم
چگونه پا گذارم، در حریمت پیش تو آیم
که اشک غم بچشمم زان دلآزاری که من دارم
مکن عیبم، ندارم طاقت آن جلوه رویت
که دارد این چنین جلوه، ز رخساری که من دارم
ننالیم بعد ازین از شور عشق و درد تنهائی
مرا کافیس با زلفش سر و کاری که من دارم
لب لعلش چو می بینم سرایم مطلع رنگین
ز لعل آن شکر نوشم، چه گفتاری که من دارم
دل پسر حسرت من در تمنای وصال یار
به لب آمد ز عشقش جان فسونکاری که من دارم
مبین با دیده کم، اشک رنگین "لطیف" خویش
نگر از عشق، بر لعل گهر باری که من دارم